

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



به نام خداوند بخشنده مهربان

In the Name of God, the Merciful, the Compassionate

Au nom de Dieu le Très Miséricordieux le Tout Miséricordieux

وَالْفَجْرِ



سوگند به سپیده دم.

By the dawn

Par l'Aube!

وَلَيَالٍ عَشْرٍ



و سوگند به شب های دهگانه

and the ten nights

et par les dix nuits !

وَالشَّفَعِ وَالْوَتْرِ



و سوگند به تمامی عددهای زوج و فرد.

by the even and the odd

Par le pair et l'impair!

وَاللَّيْلِ إِذَا يَسِرُّ



و سوگند به لحظه هایی که شب به پایان می رسد.

by the night when it journeys on!

Et par la nuit quand elle s'écoule!

هَلْ فِي ذَلِكَ قَسَمٌ لِّذِي حِجْرٍ



آیا این سوگندها برای خردمندان و دانشمندان کافی نیست؟

is there in that an oath for a mindful man?

N'est-ce pas là un serment, pour un doué d'intelligence?

أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادٍ



ای پیامبر! آیا به این فکر نکردی که خدای تو با قوم عاد چه کرد؟

Hast thou not seen how thy Lord did with Ad

N'as-tu pas vu comment ton Seigneur a agi avec les Aad ?

إِرَمَ ذَاتِ الْعِمَادِ



همان قوم قدرتمندی که در سرزمین «ارم» زندگی می کرد. سرزمینی که پر از ساختمان های محکم و بلندی بود که با ستون های سنگی ساخته شده بود.

(The Dwellers of) Iram of the pillars

[avec] Iram, [la cité] à la colonne remarquable,

الَّتِي لَمْ يُخْلَقْ مِثْلُهَا فِي الْبَلَدِ



سرزمین و ساختمان هایی که مانند آن، در هیچ جای دیگر دنیا ساخته نشده بود.

the like of which was never created in the land

dont jamais pareille ne fut construite parmi les villes?

وَتَمُودَ الَّذِينَ جَابُوا الصَّخْرَ بِالْوَادِ



و نیز، آیا نشنیده ای که خدای تو با «قوم تمود» چه کرد؟
همان مردمی که صخره های بیابان را می بریدند تا با آن ها خانه های محکم سنگی بسازند.

and Thamood, who hollowed the rocks in the valley

et avec les Tamud qui taillaient le rocher dans la vallée?

وَفِرْعَوْنَ ذِي الْأَوْتَادِ



و با فرعون چه کرد؟ همان که لشکریان بسیار داشت و مردم را به چهار میخ می کشید تا شکنجه کند!

and Pharaoh, he of the tent-pegs

ainsi qu'avec Pharaon, l'homme aux épieux?

الَّذِينَ طَغَوْا فِي الْبِلَادِ

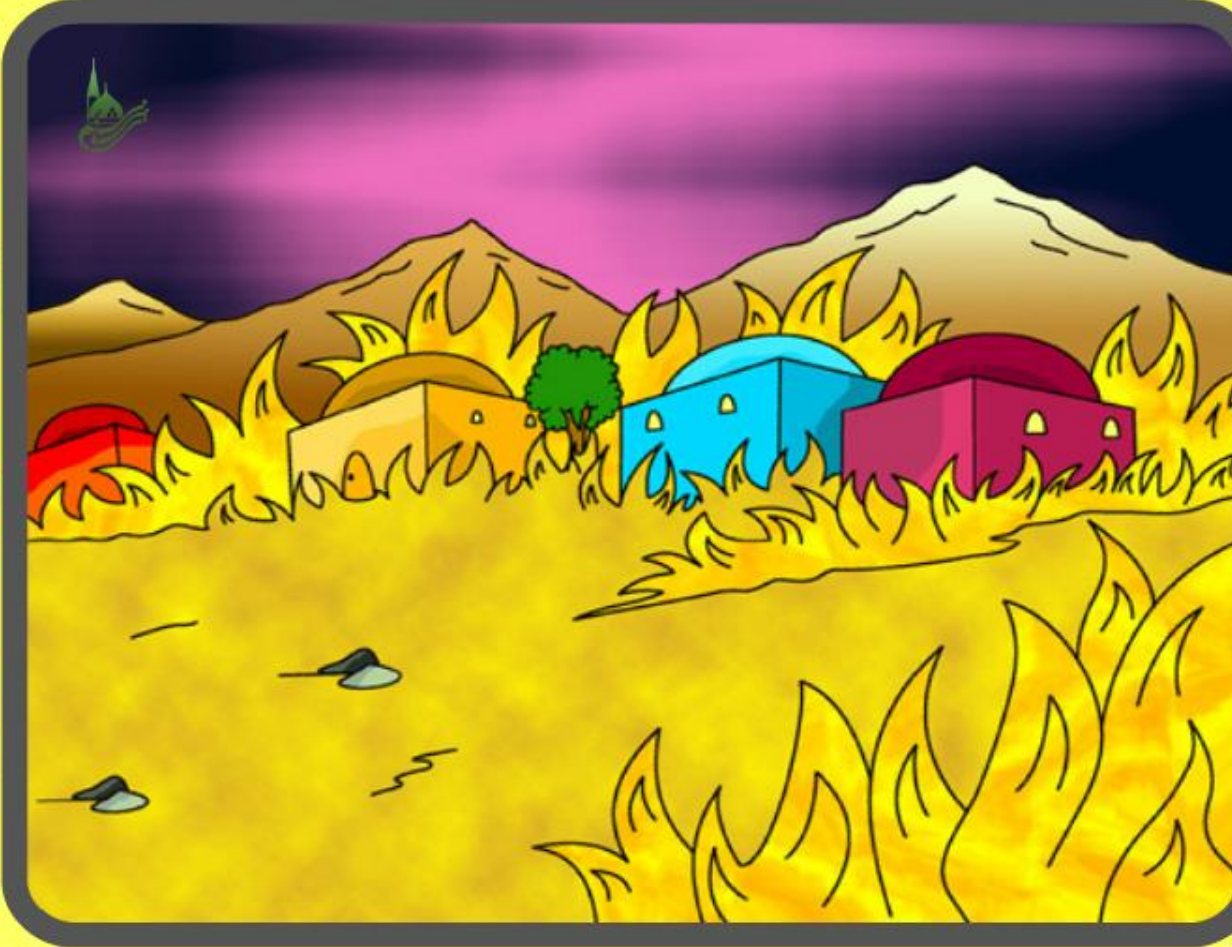


آن ها کسانی بودند که در همه جا ظلم و گردنکشی کردند،

who all were insolent in the land

Tous, étaient des gens qui transgressaient dans [leurs] pays,

فَأَكْثَرُوا فِيهَا الْفَسَادَ



و با ستم و سرکشی خود باعث گسترش تباهی و فساد در جاهای مختلف شدند.

and worked much corruption therein?

et y avaient commis beaucoup de désordre.

فَصَبَّ عَلَيْهِمُ رَبُّكَ سَوْطَ عَذَابٍ



تا آنکه خدای تو آن ها را زیر ضربه های پی در پی تازیانه عذاب گرفت.

Thy Lord unloosed on them a scourge of chastisement

Donc, ton Seigneur déversa sur eux un fouet du châtiment.

إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمُرْصَادِ



چرا که پروردگار تو همیشه در کمین ستمکاران است.

surely thy Lord is ever on the watch

Car ton Seigneur demeure aux aguets.

فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ وَفَأَكْرَمَهُ وَنَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ



اما انسان به این ها نمی اندیشد، بلکه وقتی که خدایش، برای امتحان، به او مقام و احترام و عزت و نعمت فراوان می بخشد، مغرور می شود و می گوید: «من لیاقت این موقعیت را داشته ام که پروردگارم به من نعمت بسیار داده و عزیزم کرده است.»

As for man, whenever his Lord tries him, and honours him, and blesses him, then he says, My lord has honoured me

Quant à l'homme, lorsque son Seigneur l'éprouve en l'honorant et en le comblant de bienfaits, il dit: «Mon Seigneur m'a honoré».

وَأَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ، فَيَقُولُ رَبِّي أَهْنَنِ



و اما اگر برای امتحان، خدا او را تنگ روزی و تهیدست کند؛ یا به غم و رنج گرفتار سازد، ناراحت می شود و می گوید: «من سزاوار این بدبختی نبوده، خدا مرا خوار کرده است.»

But when he tries him and stints for him his provision, then he says, My Lord has despised me

Mais par contre, quand Il l'éprouve en lui restreignant sa subsistance, il dit: «Mon Seigneur m'a avili».

كَلَّا بَلْ لَأَتُكْرَمُونَ الْيَتِيمَ



هرگز چنین نیست. نه نعمت و احترام فراوان نشانه لیاقت و گرامی بودن پیش خداست، نه فقر و غم نشانه بی لیاقتی و خواری است. این ها امتحان است برای اینکه میزان مال دوستی خود را بفهمید. زیرا شما معمولاً یتیم نوازی نمی کنید.

No indeed; but you honour not the orphan

Mais non! C'est vous plutôt, qui n'êtes pas généreux envers les orphelins;

وَلَا تَحْضُونِ عَلَىٰ طَعَامِ الْمَسْكِينِ



و با علاقه یتیمان را بر سر سفره خود نمی نشانید و یکدیگر را به غذا دادن به تهیدستان تشویق نمی کنید.

and you urge not the feeding of the needy

qui ne vous incitez pas mutuellement à nourrir le pauvre,

وَتَأْكُلُونَ الْوَرَثَةَ أَكْلًا لَمًّا



و میراث گذشتگان و ضعیفان را چپاولگرانه می بلعید.

and you devour the inheritance greedily

qui dévorez l'héritage avec une avidité vorace,

وَسُحْبُونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا



و به ثروت و مال دنیا، بیش از اندازه عشق می ورزید.

and you love wealth with an ardent love

et aimez les richesses d'un amour sans bornes.

كَلَّا إِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ دَكًّا دَكًّا



نباید این چنین باشد، زیرا هنگامی که در روز قیامت زمین بلرزد و متلاشی شود

No indeed! When the earth is ground to powder

Prenez garde! Quand la terre sera complètement pulvérisée,

وَجَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا



و خدای تو بیاید، و فرشتگان خدا نیز صف به صف بیایند تا دستور های الهی را اجرا کنند،

and thy Lord's (signs) come, and the angels rank on rank

et que ton Seigneur viendra ainsi que les Anges, rang par rang,

وَجَاءَ يَوْمَئِذٍ بِجَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ وَأَنَّى لَهُ الذِّكْرَى



و در آن روز جهنم را برای گناهکاران آماده کنند، انسان همه چیز را می فهمد.
اما این فهمیدن چه سودی به حال او خواهد داشت؟

and Gehenna(Hell) is brought out upon that day man will remember; and how shall the Reminder be for him?

et que ce jour-là, on amènera l'Enfer; ce jour-là, l'homme se rappellera. Mais à quoi lui servira de se souvenir?

يَقُولُ يَلَيْتَنِي قَدَّمْتُ لِحَيَاتِي



انسان در چنین روزی با حسرت می گوید:
«ای کاش در دنیا نیکوکار بودم و ذخیره ای برای زندگانی آخرت خود از پیش می فرستادم.»

He shall say, O would that I had forwarded for my life!

Il dira: «Hélas! Que n'ai-je fait du bien pour ma vie future!

فِيَوْمٍ ذِي عَذَابٍ لَّا يَعْذِبُ عَذَابَهُ أَحَدٌ



در آن روز خداوند گناهکاران را به عذابی سخت گرفتار می کند عذابی که هیچ کس مانند او نمی تواند عذاب بکند.

Upon that day none shall chastise as He chastises

Ce jour-là donc, nul ne saura châtier comme Lui châtie,

وَلَا يُوثِقُ وَثَاقَهُ أَحَدٌ



و هیچ کس مثل او زنجیر عذابی را، محکم به پای دیگری نمی تواند ببندد.

none shall bind as He binds

et nul ne saura opprimer comme Lui opprime.

يَا أَيُّهَا النَّفْسَ الْمَطْمَئِنَّةُ

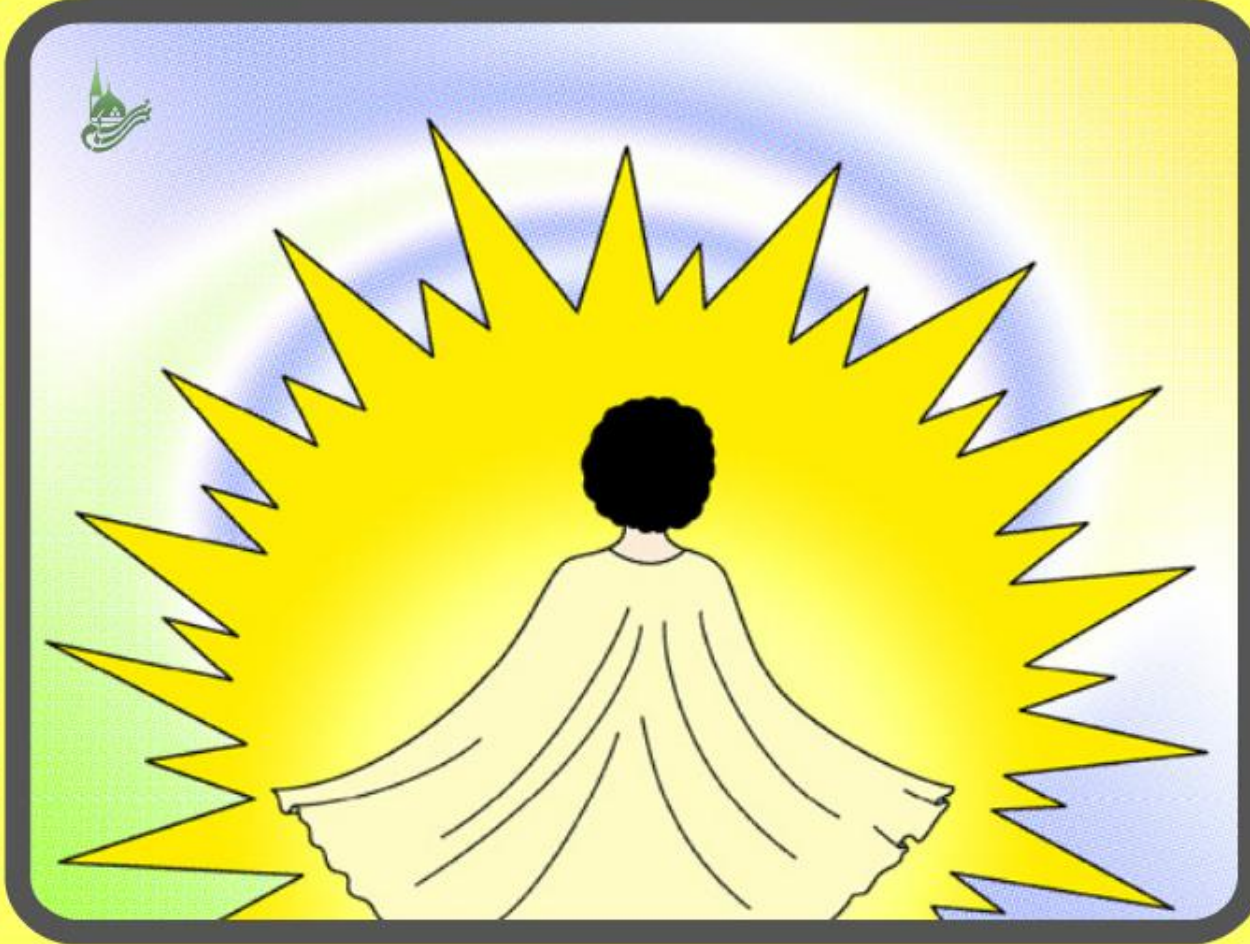


در آن روز به مؤمن نیکوکار گفته می شود: «ای کسی که دلت با یاد خدا آرامش یافته است،

O soul at peace

«toi, âme apaisée,

أَرْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكَ رَاضِيَةً مَّرْضِيَةً



به سوی پروردگارت باز آی، در حالی که تو از نعمت های خدا خرسندی و خدا از کارهای تو خشنود است.»

return unto thy Lord, well-pleased, well-pleasing!

retourne vers ton Seigneur, satisfaite et agréée;

فَادْخُلِي فِي عَبْدِي



پس باز آی و در میان بندگانم جای بگیر.

Enter thou among My servants!

entre donc parmi Mes serviteurs,

وَأَدْخِلِي جَنَّتِي



وهمراه آنان وارد بهشت من شو. «

Enter thou My Paradise!

et entre dans Mon Paradis».

SOURCE : Bani Hashem
Publications